بررسی تحلیلی روند تکاپوهای سیاسی خاندان تولوی تا پرآمدن منطقه‌ای بر تخت خانی

فريدون اللجاری

چکیده
چنگیز در اغاز سده‌های هنیه حکومت جوان و نیرومندی را در مغولستان بنیان و در سال ۱۲۴۱ ق به هنگام مرکز امپراتوری یهناوری را به میراث نهاد. او با تدبیر در انتخاب جانشین، حفظ یکبارچگی امپراتوری و پیگیری برنامه‌ی جهانگشایی را به جانشینان خود سپری کرد. با این وجود، به سبب ماهیت و ساختار امپراتوری مغول، سال‌های جانشینی و تحریم موانع و قلقو اولوهای مغولی امپراتوری چنگیزی را پس از او گرفتار جانشینهای دورری ناخت. انقلال فرمانرواها از شعبه‌ی اوکتای به شناختی تولوی در خاندان چنگیز، تحول مهمی و پرآهنگی در تاریخ معول بود که به عنوان نقطه عطفی در تاریخ امپراتوری مغول شناخته می‌شود. این پرآهنگی، با روش توصیفی و تحلیلی و بر پایه مطالعات کاتاخنادی به بررسی این تحولات مهم می‌پردازد و نخست تقسیم و چاپگاه تولوی را در امپراتوری چنگیزی و پیوند دعاوی و امپراتوری سیاسی امپراتوری تاریخ‌نورسی دوره‌ی ایلخانی بررسی می‌کند، سپس به تکاپوهای سیاسی خاندان تولوی تا پایان فرمانرواوخوی (۱۲۴۱-۱۲۶۰ ق) می‌پردازد. بخش اولینی مقام، برآمدن منطقه‌ای بر تخت فرمانروایی امپراتوری مغول را به عنوان برآمدن فرآیند پیچیده بررسی می‌کند و چاپگاه این تحولات را به عنوان نقطه عطفی در تاریخ معول، تطبیق می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: منطقه، چنگیز، جانشینی، تولوی، منطقه‌ای، قوری‌نامی.

f.allahyari@lrt.ui.ac.ir

*دانشگاه گروه تاریخ دانشگاه اصفهان
تاریخ دریافت: ۱۲۹۸/۰۷/۲۹، تاریخ تایید: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱
مقدمه:
چگچیز، خان بزرگ مغول که همیاپ پیروزهای بزرگ نظامی، سیاسی، اقتصادی و...

1. ترجمه و تهیه: نیکا، ص: 3 و 48، (1373)، مرکز تحقیقات و تدریس اسلامی، تهران، فرهنگسرای قروشی، (1373)، تهران: نشر جامعه معاونان اسلامی، تهران، یکنون، ص: ۱۰۸.
2. عاطف ماموری، سال ۱۳۸۲، تهران: نشر گروه مدیریت انتشارات، تهران: همکاری جامعه معاونان اسلامی، تهران.
3. فرهنگسرای قروشی، (1373)، تهران: نشر جامعه معاونان اسلامی، تهران، ص: ۱۰۸.
روی این مقاله فرایند پیچیده انتقال قدرت از شاهه اوتگتی به شهاب تولوی را از مرگ چنگیز تا جلسه منگو بررسی می‌کند.

نقش و چاپگاه تولوی در امیراتوری چنگیز

تولوی چهارمین پسر چنگیز از خانوتان بزرگ و برگزیده‌ای، بورته‌فوریجین بود. خان بزرگ فمول، افزون بر همسران رسمی و اصلی که خانوتان خوادنده می‌شودند و از حقوق و امتیازات ویژه برخوردار بودند، زنان متعدد دیگری نیز داشت که با عنوان قومی مانند کنیزان در حمارسای خان بزرگ به سر می‌بردند. بورته‌فوریجین، خانوتان بزرگ چنگیزان، دختر فراموری قوم قنقرات بود و به‌دست خود نقش ویژه‌ای داشت. یک نسخه فیزیولوژیک از آن تاریخچه این نویسنده در ماهنامه‌ای از هزاره‌ها در این سری‌ها بزرگ می‌شود و به روایت جویی «تخت مملکت» به به‌مثابه چهار یاده، و ایوان خانی را به محل چهار رکن بودند. چنگیز امیر مهم فرامورونی بود به این پسران واکنش کرد و تولوی به به‌ترین و تولیت جوش و تجهیز جنود برگزیده شد. به روایت رشیدالدین «القب او پیکنیک و عظیم دهه تولوی به ایام بزرگ و بدان شهرت داشته و چنگیزان او را نوکاری می‌گفته و به شجاعت و بهادری و رای و تدریب نظر نشانده» گرچه با توجه به ماهیت نظامی جامعه و حکومت مغولی، مهربانی کارکرد خان زاده‌ای با شکارپایی و جهانگشایی بود، اما سیاست جنگاوری تولوی که به عنوان فرمانده بزرگ در کنار پدر، نقش مهمی در جهانگشایی مغولان ایفا کرد. برتر و بر پرچمتر از دیگران می‌نماید، رشیدالدین درباره‌ای این ویژگی او نویسد: «و تولوی خان عظیم فیروز چنگیز بوده و هیچ یادشاده‌ها را چندان فتح خدا و ممالک دست نداد که ای می‌شود شد».

1. جامع التواریخ، ج. 1، ص. 379
2. تاریخ جهانگشایی چینی، ج. 1، ص. 39
3. همان‌جا
4. همان‌جا
5. جامع التواریخ، ج. 2، ص. 378
6. همان‌جا، ج. 3، ص. 375
جویایی نیز در گزارش فتوحات خان مغول در موارد انتهر و خراسان درباره وی‌گی‌های جنگاوری و شجاعت تولیدی می‌نویسد:

پسر خوشتی غزنوی را - که در سیاست، بیگ آباد و آتش فعل بود، که باد او به هر کسی که رفسنجان شد و در قرون‌هیئت، بری فکه از میان حجاب ساحب دست بر هر کجا افتاد چون جاکست کرد و اثر و نشان نگذارد و زمان مکث و آیت نخواهد - نامزد کرد تا به باد خرسان رود.

تولیدی در لشکرکشی‌های بزرگ چنگیزخان، همواره در رکاب او بود و نقش مهمی در مشاورت و همکاری با پدر بر عهده داشت. خان بزرگ مغول از یکصد و بیست و هنوزار نظامی‌ملی که نام امرا و هزاره‌های ایشان را بر اساس آنچه در دفتر زرنیت شده بود بیان می‌کند و یک هزار نفر را به تولید خان سپرده‌اند. افزون بر اینها، دیگر واحدهای نظامی مغول که نام ایشان دکتر نشده است نیز به تولید اختصاص یافتند و پس از او نیز این سپاهیان در اخبار چنگیزخان و یا بر عهده نظریه باربولد، این آمار پایه مربوط به خنگ‌ویان مغولستان باشد و دستگاه عیان‌سپاهیان فرندان چنگیز را شامل نمی‌شود. به هر روی، اگرچه شمار سپاهیان مغول به روشنی مشخص نیست، اما بر پایه این گزارش، می‌توان با توجه به وی‌گی‌های نظامی و شجاعت تولیدی و چایگاه او در سیاه چنگیزخان، قرار گرفتن بخش مهمی از ارض مغول را در اختیار تولید و خاندان او دریافت. قرار گرفتن اکثر نظامیان مغولستان در اختیار تولید، به ترتیب با توجه به نقش
و چگونگی پیش از مهر برای پاییز سنت قبیله‌ای، ملیت و پهناور امیرتاوری را میان سرداران و پرسن تضمین کرد. در این تصویری که بخش مهمی از قلمرو امیرتاوری متعلق به چهار پسر به‌عنوان معترف قیام، پسران اصلی یا سرزمر ملیستون که به منزله خانه‌ای بدلیل نبوده، به تولید کوپک‌های پسران معترف خان واغذ شدند.

اگرچه سهم تولید نسبت به قلمرو برادران دیگر کوپک‌ته بود، اما تولید بر سرزمین ملیستون و به تعبیر دیوید مورگان، قلمرو امیرتاوری متعال دست یافته، که افزون بر امتیازات این سرزمین به عنوان خستگی چنگیز و سرزمین، به سبب مجاورت با آتشگاه قانون و دربار مکزی، زمینه‌های تکاپه‌های ناشی از افزایش سرزمین تولیدی را در میان اولین قانون می‌پوشد: «به حقیقت آن موضوع واسلته ممکن است یک‌پاره مرکزی و داریمند» زمانی‌که نیز درباره‌ی ویژگی‌های ممتاز و خارق العاده‌ی سرزمین ملیستون و رمان ورزان آن نیز می‌کند. بنابراین سرزمین ملیستون را سرزمین قبیله‌ای ملیستون می‌خواند. بنین روي می‌توان این امتیازات و موقیف خاندان تولیدی را در پیشگیری نهایت و برنامه‌های فردی آن در ایندهی سیاسی امیرتاوری معلوم یافت. پس از اینکه چگونه در سال‌های آغازین فرهنگ‌ریزی اولتای قانون نیز چیاگه زیبایی تولیدی در امیرتاوری معلوم حفظ شد و از اینکه چیاگه‌ها از آن جهانی جورجی، ج. (1373) تاریخ خونریزی در سال‌های سیزدهمی از تکیه‌گاه‌های تاریخ مشترک، تهران، امیرکبیر، ص. 141.
با شرکت در مهم‌ترین برنامه‌های جهانگشایی اوکتای در سرمایه‌های خصوصی و چین شرکت، شایستگی نظامی خود را بیشتر به اثبات رسید و سرانجام در سال ۱۳۶۳، به عنوان یکی از اولین همین سال‌های آغازین قانون اوکتای کان (۶۴۶۳۱۳۶۶۳۵۴۶۳۴۶) در نتیجه درازکاری و امتیازات سیاسی، از مورد احترام و توجه در تاریخ‌نگاری دوره‌های مختلف بود.

با توجه به چنین قابل اعتقاد و پایداری سنت دوستی جاشینیان قانونهای بدنی، اداره امور فرمول‌های مغول را در فصل‌های مراجع تاریخی، چنگیز تا بر اوکتای کان از عهدی همسر چنگیز و نماد تولوی خان می‌داند، همگرایی او در این باره چنین قابل اعتقاد نیست، زیرا برج خلاف علوم منابع دوره‌های مغول، تولوی را از مادری غیر از مادر جوئی، جشنا و...

۱ اوکتای می‌شناسند.

بازتولید بر پایه منابع و اقدام جنی. در این شرایط، تولوی را ناپلمایه و مستند اداره امور می‌دانند و بر همین پایه، به تأکید افتادند بر گزارش‌های قوربانی عربی جاشینیان خان را ناشی از تاریخی‌ای از می‌شناسند.

۲ هرچند این نظریه بازتولید درباره نگرانی تولوی از برآمدن اوکتای کان در منابع ایرانی تأیید نمی‌شود، اما در گزارش‌های تویینگ‌نگاران ایرانی می‌توان از یک باز را دعاوی و امتیازات را مشاهده کرد که بر پایه‌ی ستی مغول و شایستگی‌های فردی جاشینیان خان بزرگ را حق تولوی می‌داند و از دیگر سو، وفاداری تولوی و خاندان او را نسبت به اوکتای کان آن چنان برجسته و ویژه می‌نمایاند که از دیگر شاخه‌های خاندان چنگیز متماز است. جهانی و پاره‌ای مورخان ایرانی بر پایه‌ی ستی قبلاً منقول که

۱. شیکاری، حمید بن علی بن محمد، (۱۳۶۷)، مجموعه‌ای از مجموعه‌های محدود، تهران: امیرکبیر.
۲. تاریخ جهانگشای جوئی، ج. ۳، ص ۶۹.
۳. تاریخ جهانگشای جوئی، ج. ۳، ص ۶۹.
یورت و خانه‌ی پدری به پسر کوچک‌تر می‌رسد. جانشینی خان بزرگ مغول را حق تولوی میدانند. جوینی در این باره می‌نویسد: «جایگاه‌ی پدر به حکم یاسا و آبین مغول به پسر اصغر رسد که از خانوتن بزرگ‌تری پاشود.»

البته نیازی از نظر دور داشت که این پندار مورخین ایرانی بر پایه‌ی سنتی مغولی و قبیله‌ی استوار این که دوری‌نیست تصمیم گیرد، چنانکه درباره‌ی جوینی رفتار شد و درگرخ شده‌ی نیز بین پسران دیگر تقسم می‌گردد. چنانکه درباره‌ی پدری سهم فرزند کوچک است و منظور از واقعیت خانه‌ی پدری یا آن کوچک درباره‌ی تولوی انجام شد، یعنی داند بورت اصلی به او، به مفهوم جانشینی و فرمانروا بی چاپ بر امیراتوری مغول نیست، اما کوشش مورخین ایرانی که در خدمت ایلخانان ایرانی به عنوان شعبه‌ای از خاندان تولوی بودند، به‌تدریج با انگیزه‌ی توجه و تیب مشروطات انتقال قدرت از خاندان اوگتای به شعبه‌ی تولوی و به ویژه مبانی مشروطات ایلخانان ایران، تحلیل‌پذیر است. به هر روی، جوینی در گزارش جوان قوریلایی تعیین اوگتای به جانشینی، پس از پیشنهاد مقام قابلی به اوگتای از زبان او که بر پایه‌ی سنت مغولان نخست باید از پذیرش خانی انتخاب می‌کرد، می‌نویسد: هر چند حکم چنگیزخان بر این جملات نافذ شدستا، اما برادر بزرگ‌تر و اعمد هستند که به انزمام این کار از سزارترنند و از راه آذین مغول از خانه‌ی بزرگ‌تر پسر اصغر قایم‌مقام پدر باشد و الگویی، پسر خردتر از مغول بزرگ است و روز و شب و گاه و به‌گاه ملازم خدمت او بوده و یاسا و رسوم دیده و شنیده و دانسته باشد، با وجود و حضور ایشان، چگونه با خانی نشینن.}

در این گفتار، افروز در استناد به سنت مغولی درباره‌ی جانشینی پسر کوچک‌تر، به باره‌ی امتناعات شخصی تولوی نیز بردشته می‌شود. بیان ویژگی‌های برتر تولوی در توشه‌های دیگر نوسنگدان ایرانی و فارسی‌دانه عصر ایلخانی و حتی دوره‌های پس از آن نیز به روش‌های مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که بخی، تولوی را به واسطه‌ی شجاعت و جنگوری و مردانگی و فرسانگی می‌ستاپند و او را مورد عناصر ویژه‌ی چنگیز و برتر از
دیگری پسران خان بزرگ مغول می‌شمردند. رشدالدین این برتری و موقعيت تولوی را در نظر چنگ‌زی به گونه‌ای اشکال‌بر بیان می‌کند و پس از شرق و افق‌افزار وتبار و اردوها و سیاه‌پوین و اموال خان بزرگ مغول به تولوی خان می‌نویسد: «و چنگ‌زی خان اندیشه داشته که راه قانع و تخت پادشاهی نیز به او مفروض گرداند و او را ولیعهد کند.» اما به سبب پاره‌ای مصالح، صرف‌نظر کرده وی با امپراتوری که به تولوی بخشیده، زمینه‌ای را هموار ساخته که سرنجام قاآنی به خاندان او انتقال یابد. همچنین همین نويسندگان در روایتی داستانی از زبان تولوی برتری‌ها ار نسبت به اوتگان قاان بیان می‌کنند. اگرچه این دعا در پچوری روسیویان دفاکارته‌که شاهزاده‌گان مغول چان خو بر فدای قاآن می‌سازد، بیان می‌گردند. اما این روایت به هر روی، حاوی نکات درخواست تامی است. بر پایه این روایت، اوتگان هنگام جنگ با ختایان رنجور و بیمار شد. تولوی بر آنان برادر آم‌و‌چون قاان سبب بیماری او را افسون خوانده بودند. «و رنج او را در آب به کاس رحیم شسته، تولوی خان از فرط حمیتی که به برادر داشت، آن کشته را برگرفت» و پس از راز و نیاز به خدا در جوید. آن آب را گرفت. تولوی در آن راز و نیاز، برتری در شجاعت و درايت و خویش و هنر خود را بر اوتگان به تلیخ بیان کرده است. رشدالدین راز و نیاز تولوی با خدا در جوید. این که به تولوی بر او گونه می‌نویسد:

ای خدا در جوید! اگر جهت گاه کردنه عنابی مفرماهی، گناه من زیادت از اوست و در جنگ‌ها من بیشتر مردم را کشتارم و زن و فرزند ایشان را غارت کردهم و مادر و پدر اسیران را گردنده و اگر جهت خویش و صورت و روندت قد و هنرمندی، بندید خویش را [اوتگان قاان] را به حضرت خویش خواهی بردن، من لاق و مناسب‌ترم. به عوض اوتگان قاان مرادستان و او را از این رنج، شامده در رنج او بر من نه.»

__________________________
3 سید بن محمد بن محمدرضا هری: (۱۳۴۴) تاریخ‌نامه هرات، به تصحیح صبوری، محمد زیرس، مهدیي و سعی و اعتماد، خان بهادر در خلیفه محمد اسکندر نامهٔ تهران: خیام، ص ۴۳۶، ص. ۴۳۶، ص. ۴۳۶. تاریخ روشنای صفا، تهران: کتابخانه‌های ملی، خیام و پیروز، میهن و نه. ۱۳۴۷. ۱ خاموش، تاریخ، ج، ص ۳۳۵. ۲ بهادر، ج، ص ۳۳۵. ۳ خاموش، تاریخ، ج، ص ۳۳۵.
برایه این روایت و آنچه گفته شد نویسنده گان ایرانی در کتاب بیان دعوای و امتیازات تولویّ و خاندان او به بیان اطاعت و فرمانداری خلاقانه و فکر کرده ایشان از خان در بار مركزي نیز انتخابه ای هدفمند داشته اند. زنگ گروه در بررسی روایات منابع ایرانی و چنین و مدارک باقی مانده و گزارش مورخین درباره ای فقهای و هلاکو و قانونی ایشان، انتخابه این روایات را حفظ محیوت تولوی و ایجاد حقایقی برای جشن‌هایی او در دربار مركزي، چین و ایران می‌دانند. ۱

این گونه روایات درباره شیوهی رفتار تولوی در دوران فرمانرواى اوگتای واقع‌نگری شامل‌های جوان مغولی را نشان می‌دهد که با وجود شاگردانی‌های فرعی در جهت پیشرد اهداف امپراتوری از بد سو به رعایت شأن و منزلت خانوی مصالح امپراتوری مغول نظر داشت و از سوی دیگر شاید به تحکیم مؤقتات خود برای فرصت‌های پس از اوگتای می‌اندیشد. اگرچه مدرک تولوی در سال ۳۰۳ هق هنگامی که بخش از چهل سال نداشت، چنین فرصتی را برای یافتن نسخه‌ای.

خاندان تولوی از مگک از گیاپان فرمانرواى گیوک پس از مدرک تولوی در سال ۳۰۳ هق همسر سروقشیتی‌ییکی، اداره مور خاندان و قلیوی او را بر عهده گرفت. سروقشیتی‌ییکی، برادرزاده اوگتای فرمانروای قوم کرتشت و از زنان برگشت و نامور تاریخ مغول بود، او مادر منگو، قیبلی، هلاکو و اریبوکا، پسران معمّت تولوی خان، بود که در تاریخ امپراتوری مغول، نقش مهمی یافتند. روش‌الدین ایشان را با پسران معمّت چنگیز به عنوان چهره رکن امپراتوری مقاومه می‌گفتند. ۲ منابع تاریخ مغول سروقشیتی‌ییکی را به کاست و تدبیر و سیاست سودهاند، روش‌الدین درباره وی گوری از می‌توسد: وی یک توخاله و کافی خودبه و بر سرآمده خواتین عالم و ثبات و عفته و سرت و عصمت هر چند تمامر داشته‌اند. ۳ چونی نیز با سناش شخصیت او نقش وی را به عنوان مشاور اوگتای قانک این گونه گزارش می‌کند: «قان در هر کار که شروع نمودی در مصلحت مملکت یا ترتیب لشکر، ابتدا کتیبه و مشورت با او کردی و پذیرفته او گفته تغییر و تبدیل راه ندادی.» ۴ بدين روى، اعتبار و امتیازات خاندان تولوی و قلمرو

---

۱ زنگ‌گر گروه، (۱۳۳۴)، تاریخ مغول، چکیارداز زنگ نظر کانون‌ک، ترجمه محمد بهروزی، تهران، آزاد، صص ۸۹-۹۲ و ۹۲.
۲ جامع‌التجاری، ج. ۹، صص ۷۸-۸۱.
۳ همان، ج. ۹، صص ۸۱.
۴ تاریخ چهارشنبه، ج. ۹، صص ۸-۵.
اصلي و احیایی نظامی تحت فرمان او در سایه‌های تدیر و کفایت سروقیتی‌بیکی حفظ شد و بر پایه‌ای این اتبارات و امکان‌ها و الیه همکاری مؤثر خان اوریز در فراپیدن پیچیده و پرتاب هم، فراموایی امیراتوی جهانی مفول در کف فرزندان تولوی قرار گرفتن سروقتینی بیکی و فرزندان از زمان مرگ تولوی در دربار اوگانی می‌سپردند و قلمروشان نیز مجازات تختخاگان امیراتویی یافت، از این رو، او از فرست و جابه‌جایی مهمی که به عنوان مشاور خان داشت، برای ثبت اعتبار و اقتدار خاندانی خود و رسوخ در قدرت و دستگاه سیاسی امیراتویی بهره گرفت. نویستگان ایرانی که از علاقه‌ی بسیار اوگانی قاچان نسبت به تولوی و مصرف و ایسه وی از مرگ برادر، خبر می‌دهند، همسر و فرزندان او را نیز سیاسی مورد محبت و لطف خان مفول می‌دانند، به‌گونه‌ای که در میان سایر شاهزادگان خاندان چنگیزی ممتاز بودند و این همچنان و منطقه‌ای راهی ایشان نیز از حمایت و پزشکی خان برخوردار بودند. اگرچه در گزارش‌های این شبهه، رفتار خان در متن دوره‌ای مولوی چندین عاطفه تأکید شده است، اما نمی‌بایست اینگیره‌های سیاسی را از نظر دور داشت، چون واقعی، در دورسی گزارش‌های پراکنده تاریخی و نگارش‌ها درباره‌ی همسر تولوی و پسران او، پیش از برآمدن منگوکاتان بر تخت قاچانی، می‌توان نشانه‌هایی از پاره‌ای ملاحظات و نگارش‌ها در روابط ایشان با خان مفول را نیز درفت. بر این‌ها گزارش‌های رشیدالدین، اوتگانی قاچان از سروقاتی، بیوه پدری، برای پرسش شاهزاده گیوک خواستگاری کرد، اما او ندیده‌فت و نوستند به همین سبب در مقایسه‌ای از مادر چنگیزان که از زن ایف تاریخ مفول بود بی‌پرنگ می‌شمرد. یقین ت rdr به این اقدام خان مفول، نمی‌توان اینگیره‌های سیاسی را نادیده اگنات: شایان این بودن می‌توانست خاندان تولوی و ظرفیت سیاسی و نظامی ایشان را تحت نفوذ شاهزاده اوتگانی، خاندان گیوک در آورده، اما سروقاتی‌بیکی به پهنه‌ای تریت فرزندان، خرمان شان را ندیده‌فت. این رویداد، از جراین قانونی پهنه و وجود پاره‌ای نگارش‌ها در منابع متفاوتی، خاندان تولوی حکایت می‌کند.

1. جامع التواریخ، ج. ۱، ص. ۳۷۱، دی‌میهن و دوست در ایران، مه‌معلوم، ج. ۱، ص. ۱۴۶.
2. تاریخ چهاردانگه، ج. ۳، ص. ۶.
3. همبست، ج. ۳، ص. ۶.
4. جامع التواریخ، ص. ۲۸۹.
بر یادبود مطالب ذکور، در اختیار داشته باش، مهم قرار از عمده نظریه مفولستان، یکی از انتی‌بازی ویژه خاندان تولوی بود. بر یادبود گزارش رشیدالدین از روایت‌های گزارش آن، یکی از این سپاه‌ها را بدون مفراد شاهزادگان و امرا به پسر خود کوتاه داشت. این اقدام خان که نمی‌توان اگر به‌هیچ‌گونه سیاسی آن را نادیده اگر است و به‌خوبی دخالت داشته‌است. جهان‌آور الهام اولوس تولوی بود و اگر از موضوع قانونی چنین روز نمی‌داد مفیکه با یکی چنگیزی بود. این امر امروز مبارز ملانزم سروقاتی بیگی و بخش خانزادگان را از نظر امروزی بیگی که به دورانی نشست سر می‌گذاشت، امروز و شاهزادگان معترض را گفت: خدا را از اموال مورث و مکسب جایی که نیست و به هیچ وجه درباریست‌ن، نشکر و ما نیاز جمله از آن قائلین، او دانه‌ریزه فرماهی، حکم حکم اوست و ما مطلع و متغیرش. به بردی تر تریب، خشم انسان را مهار کرد. به هر روی، محتوای این گزارش به روشی از یکسی واقعیت‌پذیر و دورانی‌شده همسر با کفایت تولوی خان را نشان می‌دهد و از طریق دیگر، جریان را فیلتر و رویاروی پنهان در موانع خاندان تولوی و اوگتای را شکار می‌سازد. مهم‌ترین گزارش درباری نشانده که شاهزادگان خاندان تولوی در امور امیراتوری به‌جایی منفی به همراه خانزاده‌ای دیگر خاندان چنگیزی به ویژه باتوی یوز جویی، چگونه برای پیشرف داده نظریه امیراتوری در دشت قبیل‌ا و سرزمین‌های اروپایی باز می‌گردد. در این برنامه‌های نظامی به خانزاده باتو، فرماندهی کل سپاهان مغول را به عنوان داشت. منفی‌تریت یافته شاهزادگان، نظریه خود را به عنوان بزرگ شجاع‌ترین فرم‌ند چنگیز، به عنوان تولوی خان نشان دهد و روابط خود و خاندان تولوی را به خانزاده باتو از خانزادگان برگ و صاحب نفوذ خاندان چنگیزی نزدیک‌تر می‌کرد. برخالف منفی، منابع خانزاده گیوهک، پسر اوگتای قان، شاید به بسیار بزرگتری به واسطه‌های فرزندی خان مغول و عدم ملاحظه و رعایت باتوی به علی‌گیری گرایید. با توجه به نقش و تاج‌گذاری باتو در مسیر خانزاده‌ای چنگیزی، چنین رویاهایی در روابط او با خاندان تولوی و اوگتای، با تأثیر انگاره در تحولات آینده‌پیشین سیاسی امیراتوری مغولی و تکیه‌گاهی سیاسی خاندان تولوی برابر

1. همان. ج، ص. 193.
2. همان. جا.
3. تاریخ مغول چنگیزی - ص. 196.
4. همان. جا.
فرمانروایی داشته. نخستین نمودهای اختلاف خاندان جویجی و اوگتای یس از مرگ
اوگتای قانون‌در که پس از مرگ خان، برگزارتی شاهزاده خاندان
چنگیزی بود، به واقعیت درد پای در قوربتای جلوس گیوک به تخت خانی شرکت نکرد. ۱
بر این‌ها گزارش معین‌الدین تنزی، اگرچه در آغاز به سبب مبارزه به قوربتای نرفته، اما
چون متوسط اختبای گیوکخان شد، بیان مامان‌آم از این رویداد، خواست به قوربتای
برسد که به سبب بیماری و کنکی حرکت موفق نشد. ۲ افزوار بر ظهور اختلاف و بی‌گمانی
خانزادگان خاندان جویجی و اوگتای در اشتفاهی‌های یس از مرگ اوگتای خان تا برآمدن
گیوک، امگاهی کاره و شکاف میان شاهزادگان چنگیزی گسترش‌هاد. ۳ گیوک یس از
جلوس به تخت خانی قوادرانگ، نواهد جنایت را از فرمانرواپاراز اولوس گنتای عزل و
پیسومونگی پسر جنتای را بر جای ایان نشاند. ۴ همچنین رفتارهای گیوک با خانزادگان دیگر، در دوران
اشتفاهی یس از مرگ اوگتای و صدور برود و اعتیاق پای‌های مختلف توسط ایان و
دیگر کارهای متبهر بیانی چنگیزی، خان جدید را بر آن داشت تا برای انظمام امور، به
پرسری عملکرد ایشان بپردازد که به تعبیر رشیدالدین، پیش‌اری از شاهزادگان از کار و رفتار
خود شرمنده شدند. ۵ بی‌تردید این روندود نیز در روابط گیوک با خانزادگان چنگیزی قابل
تأمل است. رشیدالدین با وجود گزارش اعمال خلاف باعیسای چنگیزی به دست نخزادگان
مختلف، از این فرصت نیز بیاید تقویت پایه‌ای اعتبار خانزادگان خاندان تولیی بهره
می‌گیرد و روسیسته: «سرقوتی به یگی و فرزنگان او، سرخ روش و سرافراز و گیوک در
بودند؛ چه خلاف باس هیچ بر ایان متوسط نشد». ۶ پلان کاری، همسرش تولی در دوران
فرمانرواپاراز گیوک، پس از مادر قانون محرمانی زن نزد مولوان معروفی می‌گفت. ۷ دید
روی بر پایه‌ای آنحضر گفته شد، سرقوتی به یگی افزار بی‌پایهکه در دوران پرتابم خاص
امیراتی مغول یس از مرگ خانزادگان تولیی در سالی و تدبیر و دوائندی، فرزنگان
را از بحران‌های گوناگون به سلامت گذراند و بر اعتبار و حیثیت ایان نزد مولوان و

1. جامع التوری، ج. ۲، ص. ۷۹۴.
2. مینی‌رب ایست‌کان، انتخابی، ج. ۴. ص. ۶۱.
3. تاریخ چهارتاشی، ج. ۲. ص. ۲۱۰.
5. جامع التوری، ج. ۲. ص. ۳۰۷.
6. اطیاق‌السیستانی، ج. ۵. کتاب با، ص. ۵۳.
اقدام مختلف امیراتوری افزوده، از زمینه‌ی پدیدآمده در روابط خانزاده‌های خاندان چنگیزی برای جلب حمایت بیشتر و نظر خانزادگان و امرای بزرگ امیراتوری به هوشمندی بهره گرفت. جویی در این باره می‌نویسد: «در امالت جوانب از انتخاب تفکیک هدایا به علایی و اقرب و اصطلاح با سوکار و انجاب، تمامی را منفی‌دان خود و متأین ارادت خویش گراییده بود.» ۱ همچنین امکان برای جلب حمایت مسلمانان که جمعيت و جایگاهی ویژه‌ای در امیراتوری مغل داشتند نیاز کشوری. اگرچه یکی از ملاحظات چنگیز در انتخاب اوگتای به جاشی، شیوهی برخوردار توانایی سیاسی و سیاسی با مسلمانان بیان شده است،اما گیوک، جاشی اوگتای تحت تأثیر نفوذ عناصر مسیحی و پادیاف روش و سیاست پدر در رفتار با مسلمانان تغییر داد و شرایط دوسته را برای رعایای مسلمان امیراتوری بپدید آورد. از این رو سروقه‌تیینی پیگی از این فرصت برای تزیونی و ارتباط با مسلمانان برای پیشرفت اهداف خود و خانزادگان خاندان تولید استفاده کرد. جویی در این باره می‌نویسد: ۲ 
هر چند تابع و مقیس ملت عیسوی بود، صدقه و عطا بر ایمه و مشایی مبدل داشت و در احیای شعاری شرایع دین محض‌ی سلی‌الله عليه وسلم ۳ نزد کشوری و علامت و تصادق این سخن، ان است که هزار بار نفر برخورد که در بخارا، مردی سانزد و شیخ اسلام سیف‌الدین البختری مدیر و متوطن آن عمل خیر باشد. ۴

لیبرنون زمان این روابط را در آستانه برآمدن منگو یا آغاز فرمزانواوی او میداند. ۵ به دین روز، سروقه‌تیینی پیگی با تدبیر، پایه‌ای مستحکمی را برای فرزندان خود در مان شاهزادگان و امرای مغولی و رعایای مسلمان امیراتوری به وجود آورد. فرمزانواوی گیوک بیش از یک سال دوم نیاورده و او در مسیر یک لشکرکشی بزرگ به سوی غرب در تزیونی سرقت درگذشت. رشیدالدین هدف پنهانی این لشکرکشی را انتقامجوی خان مغول از شاهزاده بانو، پسر جویی خان، و فرمزانواوی دشت کنده و مالکی اروپایی قلمرو امیراتوری مقفل میداند. بر پایه گزارش او، سروقه‌تیینی پیگی مخاطبین بانو را از این اقدام آگاه ساخت. ۶ مرس غیوکی سیاسی لشکرکشی او را اتامان گذاشت، اما اقدام سروقه‌تیینی پیگی

---

1. تاریخ جهانگیاری جوزیتی، ج3، ص3
2. همان، ج3، ص8
3. آن لیبرنون (1372) تاریخ و تحقیق در تاریخ ملت‌های ایران، ترجمهٔ یعقوب امیری، تهران، نشر نی، ص342
4. جامع التواریخ، ج3، ص609
هرچه بیشتر جلب حمایت یا بلوک که هنگامی یا نسبت به گیوب گوش و شاهزادگان
خاندان اوکاتی را در بر داشت.
می‌میندی بابت مسئله محروم خاندان جویی و تولی از زمان چنگیز خان و در
زمان حکت این دو خانزاده خاندان چنگیزی‌گزاره می‌دهد و اینگونه قدام
سرقوشینی بی‌گناهی را به‌همین سبب می‌داند. از اینرو در چنین شرایطی، فرصت مناسب
برایتحقیق اهداف تکاپوهای سیاسی تولی و خاندانی یا برای استیابی بر تخت قانونی و
فرمانروایی امیراتوری مغول پیدا آمد.
چگونگی برآمدن منگوکان بر تخت فرمانروایی امیراتوری مغول
بر پایه اطلاعات که گفته شد فصل شده قرنن در دوران چنگیز خان آسامی مغول و تحولات
امیراتوریزمنهایی را فراهم نمود که فرمانروایی در پرتو امپراتوری ویژه خاندانی
فرانجنسل بر امیراتوری را پیمودند. لیکن تحرک و پیوستگی دوباره دستگاه سپاسی و
نظارامغولی امیراتوری مغول که در دوران اوگتای و گیوب در مقایسه با زمان چنگیز دچار
ضعف و رکود در چهارگانشی شده بود، گرایش و ضرورت مورد انتظار در میان عناصر
مغولی به شمار می‌آمد که برخی، بر این‌رغم از چنین شرایطی‌ها با دور از خاندان اوکاتی
و روی کار آمدن خانزاده مغولی مختلف مسیر می‌انستند. دامنه‌ی چنین پنداری
درباری اوگتای و چاندیالو او تا بدان اندازه فراگیر بود که گیوب در آخر فرمانروایی، بر
تصویر روهی فساد و به‌پایان امور در دوران اوگتای و نیابت سلطنت همسرش، توا کينا خاتون،
مدیکه کوشش برای تجدید افتخار دوران چنگیز بود. اما گیوب افزون بر اینکه روزنه‌
امیدبخشی نگشود بلکه نشانه‌ای نگاشید و شیوه غرب نیز ظاهر بود. نیز استیابی بر
خانزادگان و امرای نظامی‌های مغول را در آستانه‌های روبرویی خونین نظامی قرار داد و از
سوی دیگر، سیاست او درباری سلطانی به‌عنوان مهم‌ترین عناصر امیراتوری مغول که
نقطه متمایز در اداره‌های امیراتوری و امور مختلف آن داشتند، گرایش به تغییر را به سطوح
دیگری از بدنی اجتماعی امیراتوری مغول کشاند.

1. مناسبات افکاری، ص 81
2. امیراتوری مغول و چنگیز خان، صفحه 343.
بدین روه آن گونه که پیشتر اشاره شد، گویا سومین قاآن مغولی در مسیر لشکرکشی به غرب در بخش بالایی، جان سپرده است. پس از مراکز و پایه‌های مقررات و قوانین یاسانانه، چنگیزی برای پیشگیری از هرگونه اغتشاش و تحرك نظامی، راه‌ها را بستند و امری چنگیزی نیز در هر موضع آبادی یا خرکه که رسیده به بودن، متوقف شدند. بنابراین، معمولاً مهم نبوده است در فصلی باید مراکز قاآن تا تشکیل قوربانت‌ی تعیین جانشین از اغلب گام‌ها، همسر خان متوکی، نیابت فرمانروا مغول را بر عهده‌گرفت، اما فاقد کارداری و شایستگی توراکینا خانون، همسر اوگتای قاآن بود، از این عوامل در برداری در مراکز و پایه‌های قوانین یاسانانه، یکی به‌دست آمده به فرمانروای نوبه‌کاری بحران و انحراف سیاست و انگیزه عمل در روند سازگاری تعیین جانشین خان نیز از سه خاندان اوقتی خارج شد. اغلب گام‌ها، همسر گیوگ و نایب السلطنه امبرازوری مغول، می‌خواست شاهزاده از خاندان اوگتای تعیین شود و شیامرکان با یکی از پسران خود را به فرمانروا برگزیدند. اما شاهزاده یک توکی از فرمانروا را خاندان اوگتای ناکشفه بود و اگر مراکز و نوبه‌کاری هنگام گیوگ خان نبود ناگفته به روابط خویشنه با ساپایان خان مغول می‌شد. اکنون فرصت را می‌گفتند و در پی بهره‌گیری از نفوذ و اعتبار به عنوان اقای سرور شاهزاده خاندان چنگیزی و محبومین ساختن پسران اوگتای و گیوگ از فرمانروا برآمد. بنابراین، که در میان شاهزاده‌ها خاندان چنگیزی موقتی بی‌همتا داشت و به قول خواندمیر، «سایر شاهزادگان به مزید شوکت و ابهت امتیاز تمام داشت» و حمدالله مستوفی او را مهتر قابلیت معرفی می‌کند و یکی از کاریان فرستاده یک باب در خانگش آموزه‌های از سوی اوگتای برای فتحات اروپایی وی را دویم شاهزاده خاندان چنگیزی پس از خان مغولی می‌خوانده در جنگی شرایطی ابتکار عمل را داد. گرفت و به پهنه‌های رنجوری و درد پای جان‌زادگان و خوای خاندان چنگیزی و امرای بزرگ را برای تشکیل قوربانت‌ی تعیین خان به مالیک دعوت کرد. این تدوین‌های از این اقدام، استفاده از نفوذ و بزرگی خود و ارعاب و تهدید

---

1. جامع التاریخ، صص. ۸۱۰.
2. تاریخ چهاره، صص. ۳۰۰.
3. غیبت‌الدین بن هشام الادیفی کرامی، (۱۳۶۴)، جهان سپرده، صص. ۸۸.
4. تاریخ مکتبی، (۱۳۶۶)، تاریخ کردی، می‌بایست بود، آرمان علم‌الحسنی نواز، پژوهش‌های ایران‌خی، صص. ۵۰۸.
5. خزاعی، (۱۳۶۷)، تاریخ پهلوی، صص. ۹۱.
خانزادگان خاندان اوکتای و هدایت جریان تصمیم گیری برای تعيين خان امیرزا توری به سوی خود بود. فرزندان اوکتای و گیور، و شاهزادگان جنگی که به سربند که وجود به خوبی این ممکن داشت. یافتن به این دستیویز که یوز اصلی و تختخاگ چنگیر، اوان و کلران امت و قورینیای بار در سرزمین امیری مغانیانا یا به تیرمه سادگر، سرزمین مقدس مغلولاشی در اختیار شکرکننده، اما ناگزیر از ملاحظاتی در باب چاپگاه بانو، نمازی و رضا فرستاده. خانزادگان و خوای خاندان اوکتای در قرار قانونی قانونی نیست امیر قراحوم را به نمازی فرستاده، فراداراده این خود را داند که بانو همواره با شاهزادگان را اقامت و حکم و قرمان او به هرچه فرامیاد نافذ است و ما همه بدین رضا دادهایم. بدین روی خانزادگان، نزد بانو رفته، اما پس از دو روز، پر از جهاد گذشته و نمازی نیست از سوی خود گذاشته. بدین روی شاهزادگان خاندان اوکتای و جنگی با عدم خضور خود، می‌خواستند تصمیم گیری درباری جانشین گیور را به قورینیایی در بورت اصلی موقت کنند. خاندان جنگی، تنها شاهزاده قراحوم که به دست گیور خواندی بود. برای او، فرستند که به دست‌گیرتمان شده و به این قورینیایی شرکت نمود. اما برخلاف آنها، منگو برگ تولوی خان و برادرانش به سفران ماردان سربندان بی‌پاس که نزد بانو رفته، بر پایه آنچه درباری نگرانی‌های ماندن خاندان تولوی و اوکتای گنمه شد و تک‌بی‌بی، گفت‌نامه‌ای از آغاز برای دستیابی بر تخت قانونی، اکنون فرصت مناسب پیدا آمد بود. روابط تردیدیان تولوی و جویچ که یک باند بدن اشراف شد، از مناسبات نزدیک منگو با خانزادگان بانو در فتوحات اوروبا شکل مستحکم‌تری یافت و با اقدام سربندان بی‌پاس در آنها ساختن بانو از انگیزه‌های گیور خوانند. خان بانو به قلمرو لاوس جویچ، پیا و جهان دیگر یافته در روند تک‌بی‌بی‌ای سربند در برابر خاندان اوکتای نمودار شد. پانی‌باینر، نمی‌توان نقش آفرینی بانو در براخی خانزادگان منگو را بر تخت قانونی، آن چنین گه در منابع ارمنی بیان‌تان‌اخ امره، روابط طبیعی و بدون شک‌زبانه، پهنا بررسی‌سازنده، پس از تجمع خانزادگان و امره و برگزایی جشن و شادی در اردوی بانو، پاره‌ای از پژرگان مغانیانا.
باتو را به قانون پیشنهاد کردند، اما و درخواست بی‌تایی به مقام خانی ندایست. شاید به سبب تردیدگی که درباره نسب جویی، پسر دزدگی چنگلی حکم‌دهنده و وجود داشت، و پارادای بگمگانی‌ها که برگزیدن خان نزدیک مغول و جویی به وجود آمده و همچنین دوری مقاله و قلمرو اولویت جویی، این شاهنشاهی از خاندان چنگیز‌خان روبروی جدیدی برای دستیابی به مقام خانی نداشتند. با پایان نظریه ساندرز، تمرکز باتو پس از پایان کشورگشایی‌ها در غرب، روان تغییرات سیاسی دربار مرکزی مغول بود. نه برای دستیابی به مقام خانی بلکه با هدف ایفای نقش یک خان‌ساز و رسمی بودن استقلال در قلمرو خاندانی بود. از این رو باتو منگو را نآمد خانی کرد و با اشاره به کفایت و شایستگی‌های او و نیز اقدام تراکم‌تی که در تغییر برلیگ اوتگای و برکشیدن گیونسک خان، منگویان را به سبب این که در میان شاهرزادگان، یاما و برلیگ چنگیز خان را شنیده و پسر تولی گوچک‌ترین پسر خان مغول امتیاز یافته به پسر گوچک می‌رسد، شایسته فرمودی و خواهد. این پیشرفت اثره شد که استیاد به سمت مغولیه بیشتری بر گانتهاینویز خانی به منگو نوری رسد.

اکرچه منگو پس از ساختن و پیشنهاد باتو در آغاز، بنابر توافق می‌گردد، ظاهر بود امتیاز از پژوهش خانی می‌کرد، اما با ساختن برادرش موفقانه که تغییر و تبدیل در ساختن باتو را شایسته ندانست، قانونی را پذیرفت و پس از موافقت خانزادگان و امرا، جلوس رسمی خان به قوبلتایی در سال نو در سرمزمین‌های مغولستان موفقیت را کسب کرد. بنابراین، منگو تصور کرد که به سبب حضور نیافتن خانزادگان اوگی‌تای و جگتای، تصمیم گرفت در اردوی باتو خانان به این تصمیم شورایی می‌رود بر تمرین خانزادگان چنگیزی در فرصتی دیگر می‌ماند که با کارگیری اهمیت‌های مختلف زور و قدرت نظامی در روندی از جنگیان، جنگیان.

با توجه به مطالعه مذکور، انتخاب منگو به قانع موجب نارضایتی جمعی از خانزادگان خاندان اوگی‌تای و جگتای شد. آنها که در تجمع خانزادگان در اردوی باتو شرکت نکردند.
بودند، زبان به اعتراض گوشودند و با فرستادن ایلچیانی نزد فانو، او را پادوار ساختند که قانون حق فرستادن گیوک است. یک دعوت بدن باز سیگردد که در قویلیئی جاوس گیوک بر تخت قانون، او به شرط باقی ماندن جانشینی و فرمانروایی در خاندان خود، مقام خان را نشسته و خانزادگان و امرا نیز پاسخ دادند: «که تا از نسل تو پرایه گوشت باشد چه در طه و علف پیچیده سگ و گاو که روی تکند خانیت به دیگری ندهیم؟» اما همان گونه که اشاره شد باتو در پیشنهاد منگو برای قانون، برادران گیوک را برخلاف پایلی درگذشتند. قانون منبی بر جانشینی شیرامون هادور شد. به تعویق برترد منتقل اشین سختان پس از مرگ گیوک چندان شایع نمود که تأثیرگذار بقای. همین نوسنده، روایتی را از منبی معلم - چنین نقل می‌کنند که پیاپی آن. هنگامی که اوتگای نزد چنگیزخان از اینکه ممکن است فرستادن و نواگان او افراد بایقایی یافتند که تنوانند وارت تاج و تحت و مقام قانون باقی نهادند، چنگیزخان به او گفت: «آبا ممکن است که در میان اخلاق و پارامادسان من یک اقدام درست و شرافتمند یافته نشود؟» پایلی بر این باور است که شاید این روایت، ساخته و پرداخته هواخواهان پسران تولوی در منابع معلومی و چنین باشد. چاله اینکه جوونی در گزارشی پاسخ باتو به اعتراض شاهزادگان اوتگای و جفتای را به کونهای بیان می‌کند که مکمل این روایت به نظر می‌رسد. اگزه باتو را چنین روایت می‌کنند: «نمی‌شنت چنین ملكی که از رهبری مشترک تا منتهی مغرب رسیده است به زاروی قوته کودکان بزین و ن در حوصله دانش ایشان نگنجد.»

۱. تاریخ چچانگیان جوونی، ج، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص
۲. تاریخ جاوسدریز، ج، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص
۳. همانجا
۴. همانجا
۵. تاریخ جاوسدریز، ج، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص، ص
فوریت‌های فرستاده بود و جمعی از شاهزادگان خاندان اوگتای و جنتای نیز که ایستادگی و مخالفت با قانون متقام را به‌دست دیدند حاضر به شرکت در قوریل‌تای شدند. اما تأکید بر خیلی از خانزادگان و اسرار سرقوت‌گیری‌های بی‌پایان گرفته از همه خانزادگان چنگیزی و امرا و نوبی‌ها برای تثیت یاده‌های قدیمی موجب دو اسراییل خدای در جلوس او شد. ۲ آمده‌ای از خانزادگان و پسران اوگتای و گیوک و نوبی‌ها جنایت که تشکیل قوریل‌تای را به دست حضور خود می‌دهندم می‌دانستند. از حضور سر می‌پیچیدند. ۳ این روز با سفارش باتو به برادران و گروهی از تطبیق قوریل‌تای و از میان بردن هر شخص که از یاسا سری‌پیچی کنن، شاهزادگان و امرا به‌راه‌های مرگ که ایستادگی قوریل‌تای گرفتند.

بر اساس گزارش رشیدالدین، قوریل‌تای جلوس منگو را بخت قانونی در فضایی بر سوختن برگزار شد. برادران منگو و برکای برای پیشگیری از هرگونه اقدام دسیسدرانه خانزادگان خاندان اوگتای و جنتای، تداری ویژه‌ای در محل برگزاری قوریل‌تای و چگونگی پراکندگی در میان امرا و خانزادگان شرکت کننده، اندیشیدند. ۷ طبق گزارش معین‌الدین نطنزی، خانزادگان چنگیزی، یعنی برادران و فرزندان بانوی نیروی نظامی قابل توجیه منگو را در ملاقات علایه‌کردند. آن‌ها هم‌راه سه تومان از سپاهان، در نروت اصل برای نشاندن منگو را بخت قانونی حضور داشتند. ۸ سرانجام مراسم ویژه جلوس قانون جدید بر پایه سنت‌های ویژه، مغولی، همراه جشن و سرو و اظهار بنگی خانزادگان و امرا برگزار شد. هنگام برپایی قوریل‌تای و جشن جلوس منگو، چند تن از خانزادگان خاندان اوگتای، یعنی شیرامون و ناقو به همراه جمیع دیگر از خانزادگان و امرا و سپاهان زیر فرمان خود به یاده‌ها حضور در قوریل‌تای با گردنبهای بر از سلاح و به قصد توطئه علیه منگو عازم محل قوریل‌تای شدند. طبق گزارش‌های جوینئی و رشیدالدین این توطئه به گونه‌ای صادقی بوده و سیلیقی یکی از قوریل‌تای به نام کشو، که در پی شتر گمشده خود بود، کشف شد. خانزادگان و امرا، امیر منکسر را به‌تنهایی افراد خانزادگان نیز پس از افشای توطئه.
ناموفق‌شان با شمار کمی برای تهیه نزد منگو آمدن. اکتشّک به پاداش این روداد، به مقام ترخان رسد و اموال و هدایای سیاسی به دست اورد. پس از جلوگیری منگو بر تخت قانونی، خانزادگان و امراه نظامی ناراضی و دسیسه‌گری را به یارگو سپرده و درباری رفته‌های نمایندهی ایشان به تفصیل برداختند. این یارگوت محققی منگولی که با تسهیلی خوین اما و شاهزادگان معترض همراه بود، اکچمه برای تحقّیق قدرت و محبوبیت خان در میان خانزادگان جنگ بی‌خاتمی برای خانزادگانی که برخی خانزادگان و به ویژه امراه نظامی به محکم توطئه بوده و در بعضی دسیسه‌گریها، خانزادگانی خردتر را پابرجا خود قرار داده بودند، با قساوت هرچه تمامی به پاسا رسیدند. اگر غایبت، همسر گوک خان، نیز مجازات شد. پرایه گزارش شیش‌الدین، منگو خود راضی به کشتار و مجازات گسترده‌ای امراهی یارگو موسوم به نیاورد. اما مشاوران او غفلت و تأخیر را در این باره صواب ندارند. شیش‌الدین در این گزارش، حکایتی از طرفداری اسکندر مقدونی از زبان محمود بلوچی تقل می‌کند منگو گوگان با شنیدن این حکایت، از سبیل او یپشین کرد و دستور به قتل امراه سرکش و چایگرزی گورده به چاری اینشان داد. شیش‌الدین شمار امراهی یارگو موسوم به یاسا رسیدن، هفتاد و هفت تیربانی می‌کند. می‌گوید تربیت آن گوگان در میان کارنا کارنامه یارگو رود و راه‌ها را که برآمدن منگو گوگان بی‌خاتمی امراتی امراهی موسوم انجماد، در بستری طبیعی و معمولی گزارش کرده‌اند، اما از فحواهی روایت آنها به ویژه این گوگان روایت، به روشنی می‌توان به ابعاد گسترده و خشونت‌بار این گوگان‌گری پی برد. از محوریات این گزارش شیش‌الدین می‌توان دریافت منگو گوگان برای تحقیق اسکندری فرمانروا و خود تاکید به برندایی نسلی از امراهی یارگو موسوم طی نویزی به خانزادگان اوگوئی و چایگرزی ساختن نسلی تازه و وفادار به جای ایشان گردید. دیوید مورگان در اینباره می‌نویسد: "تردیدی به جای نمی‌ماند که این مبارزه کوشنی خوین بوده است که توسط باتو و با همکاری فرزندان

۵ تاریخ چهارگانه خوینی، ج.۳، صص.۹۹-۱۲۶، قاسی اولملا منتهی که اساسی، عشیچی: جامعه و فرهنگ، ج.۳، صص.۱۸۲-۲۸۳، جامعه‌نابالغ، ج.۳، صص.۲۸۳-۲۸۵.

۱ تاریخ چهارگانه خوینی، ج.۳، صص.۲۸۳-۲۸۵.

۲ جامعه‌نابالغ، ج.۳، صص.۲۸۳-۲۸۵.

۳ همان، ج.۳، صص.۲۸۳-۲۸۵.

۴ همان، ج.۳، صص.۲۸۳-۲۸۵.
تولوی صورت گرفته است.

تاریخ‌نگاری چنین درباری تاریخ مغولان که عمده‌ا با دست مورد ذکر در خدمت هلاکو و جانشینان او در ایران و جانشینان قویلایی در چیه نوشته شده است، به جای بیان انتقال خشونت‌ها و خویندگان قدرت به خاندان تولوی و مغول‌ها، به امتیازات خاندان ایشان می‌پردازد و به ویژه با شخصیت‌برداری درباری تولوی، برآمدن منگو را قرار گرفت امروز امیراتوری در مسیر درست و رهايى از انحراف‌های شناسند: به گونه‌ای که جوینی درباری مسئول انحراف‌های پس از مرگ ساختن (حقه: ۲۴۶-۱۳۸۳ق) درباری نقش منغولان در اصلاح امور می‌پوست: «و بعد از وقوع حالت اموز دو که نوین بر چهار بنای عدل بعد از انحراف سمهد گرداند و قواعد آن را افراد درآورد و مشید».

روایی کار آمدن منغولان نقطه‌ای عطشی در تاریخ امیراتوری مغول و جهانگشایی‌های ایشان بود. جویی درباری سامان امروز در سال‌های فرامرزی ایوست: «وسط روز یکم به عدل شمار او، پار دیگر زیب و زنگ گرفته و کار عالمیان عموماً به تخصص روزبازار اهل اسلام رونق و طرافت یافته». ۲. روزه گروهه، منغولان را پس از چنگیز، بزرگ‌ترین خان منغول می‌شناختند از این رو در پر رکودی که پس از مرگ چنگیز در جهانگشایی منغولان بدست آمد، موج تازه‌ای از فتحات و امیراتوری شد که به تسلیم نهایی بر ایران، بین‌الهی نهایی بزرگ در چین انجامید. با این حال، روی‌های دیگر از یادمانهایی که به برآمدن منغولان بر تخت قانون منجر شد، بروز نخستین روی‌های بیشتر شاهزادگان خاندان چنگیزی و شاهزادگانی امیراتوری منغولی است. ۴. یکی از برادر حمایت از منگو، خودخاطرات اردوی زین بر دست آورد و گام مهمی به سوی استقلال سیاسی یکی از اولوس‌ها مهم منغولی پیامده شد ۵. این تردد که نهایی پدید آمد در این روند، اگر دوی اولوس جویی، زمینهٔ استقلال دیگر اولوس‌های منغولی و به تدریج فرودیایی یکپارچگی سیاسی امیراتوری منغول را فراهم ساخت.

---

5. منیری، ص. ۱۴۱.  
1. تاریخ جهانگیوی جویی؛ ج ۱، ص ۱۳۶.  
2. همانا.  
3. تاریخ منگو چنگیزی؛ ص ۲۵۴.  
4. منیری، ص. ۱۴۱.  
6. منیری، ص. ۱۴۱.
نتیجه

پر آقایه آنچه گفته شد، چنگیز خان پزشک و آسانان مغول، امیراتوری پزشک را بینان گذاشت، پس از آن، افروز، ااميتسات معنوی و آسانی خان پزشک، قهرمو پهلوی و سیاهان امیراتوری نیز به خانزاندهای خاندان چنگیزی انتقال یافته، از این رو اگرچه هدف چنگیز از تیمین جانشینی، تداوم یکپارچگی امیراتوری بود، اما ماهیت ساختاری و نقش خانزاندها در چهارچوب سنتی مغول، چالش‌های درونی امیراتوری را پس از اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. مسئله جانشینی، از نقاط بحرانی تاریخ امیراتوری مغول بود.

فقط قادعه‌ای مشخص برای تیمین خاندان، دعاوی خانزاندهای مختلف و تصمیم‌سازی درباری جانشینی در قرون‌های پزشک پس از مرگ چنگیز، امیراتوری مغول را دستخوش و رقابت‌های پنهان و اشکالی مانند انتقال فرصقوتی امیراتوری مغول از خاندان اوکتای به شاخه‌های تولوی، تحول سیاسی مهمی بود که در فرانس، پرچیده‌ای روی داد. اگرچه تاریخ‌نگاری دوره نفی باً مراحل کیفی و ممکنی جلو دهد، اما بر اینه گزارش و روایات ایوان فرانسیسکو دیوتین، همچون دیوتین و تکابهای سیاسی خاندان تولوی را در واسین روزهای زندگی چنگیز و پس از مرگ او مانندی کرد. پس از مرگ تولوی نیز امیتسات خاندانی از دوران پرتلاطم در سایه‌های تدیر و هوس‌ماندی همسرش، سقوط‌ندی، حفظ شد و دعاوی تولوی و تکابهای سیاسی خاندان او در رویکرد چالش‌برانگیز پیگیری شد. سرانجام در چین فرانسیسکو، متقوقان در سال ۶۴۶ خ. ه. بر تخت‌گاه قاچی امیراتوری مغول دست یافت. برایمن متقوقان و پیروی خاندان تولوی به شمشیر اوکتایی خاندان چنگیزی در پی صفاریابی سنگین سیاسی و نظامی خاندانهای مختلف چنگیزی روی داده و با تفصیلی خوشنویسی همرسانیده بود. این رخداد، نقطه‌ی عطفی در تاریخ امیراتوری مغول بود که افروز بر حکمران دیوانه در جهانگشایی‌های مغولان و فتح سراسر ایران و چین، نخستین نموده‌ای روشان فروپاشی و پایان یکپارچگی امیراتوری مغول را آشکار ساخت.
فهرست منابع و مآخذ

- آینی، عبدالrahمن. (۱۳۴۹). تحریر تاریخ وصاف، جابه جوامع. تهران: پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی.
- بیاتی، شریف. (۱۳۶۷). دین و دولت در ایران عهد مولوی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ژوزانی، فراز. ابو عمر کنار همین دین عثمان بن سراج الدین محمد. (۱۳۴۳).
- طبقه ناصری، تصحیح عبدالرحیم حیبی، کابل: مطبوعه دولتی.
- جویبی، علامه عطاء الملك بن مهاجرالدین محمد بن محمد. (۱۳۴۲). تاریخ جهانگیری جویبی، تصحیح محمد قزوینی، تهران: ارغوان.
- خوئنی، میر ایل ابادی بن همام الدین الحسینی، (۱۳۵۵). حیب السر، تصحیح زیر نظر دکتر محمد دیرسیاقی، ج، ۳، تهران: خیام.
- رشیدالدین فضل الله همدانی، (۱۳۷۳). جامع التواریخ، متصح محمد روشان و مصطفی موسوی، ج، ۲، تهران: البرز.
- سندرز، ج، (۱۳۷۲). تاریخ فتوحات مولوی، ترجمه ابولقاسم حالت، تهران: امیرکبیر.
- میرزا، هلال، (۱۳۴۳). سیرنامه هلال کاری، ترجمه و لیالی شاعری، تهران: فرهنگسرای پژوهی.
۱۲۸۷ (۱۳۶۶)، تاریخ معاون: چنگیز نانز، زیر نظر کاوشی، ترجمه محمود بهفرورزی، تهران: آزاد مهر.
۱۲۷۶، آن، (۱۳۶۵)، تناول و تحول در تاریخ مبناهای ایران، ترجمه یعقوب آذری، تهران: نشر نی.
۱۳۵۰، مارکوپولو، (۱۲۳۳)، سفرنامه‌ی مارکوپولو، با مقدمه‌ی جان ماسفلد، ترجمه حبیبالله صاحبی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۳۶۴، مستوفی، خمدم‌الله، (۱۳۶۴)، تاریخ گریه، به اهتمام عبدالحسین نوایی تهران: امیر کبیر.
۱۳۷۱، مورگان، گیویش، (۱۳۷۱)، مگالو: ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز تهران: نشر مرکز.
۱۳۷۲، میرخواند، میرمحمد بن سید برهان‌الدین خاوند شاه، (۱۳۷۲)، تاریخ روزه‌الصفاء، تهران: کتاب‌فروشی های مرکزی، خیام و پیروز.
۱۳۸۵، نطنزی، معین الدین، (۱۳۸۵)، منتخب التریخ، به اهتمام بروین استخری، تهران: اساملی.